



مجموعه آموزشی سگو

فنون

11



Sakkoo_edu2



Sakkoo_edu



درسی اول

تاریخ ادبیات در قرن‌های هفتم،

هشتم و نهم



بررسی مسائل تاریخی دخیل در ایجاد سبک عراقی

۱: مغولان در اوایل قرن هفتم (۶۱۶ ه. ق.) به نواحی مرزی ایران حمله کردند و بعد به تدریج بر نواحی دیگر هم چیرگی یافتند.

۲: به نظام اقتصادی، کشاورزی و فرهنگی ایران آسیب های عمده ای رساندند.

۳: خراسان که کانون فرهنگی ایران بود، ویران شد و بسیاری از مدارس، که مهد علم و فرهنگ بودند از بین رفتند.



بزرگانی که در یورش ویرانگر ایانه مشول گشته شدند:

۱: عطار نیشابوری

۲: نجم الدین گبری

۳: کمال الدین اسماعیل



اتفاقات تاریخی اواخر دورهٔ مغول:

۱: بساط حکومت آخرین خلیفهٔ عباسی (المستعصم بالله) برچیده شد؛

۲: با توجه به پایان یافتن خلافت، زبان رسمی و رایج عربی و نگارش به آن از رواج افتاد؛

۳: توجه به زبان فارسی که زبان تودهٔ مردم بود، رونق بیشتری گرفت.



وضعیت زبان و ادبیات فارسی در این دوره

مثل بسیاری از دانش‌های دیگر، با دوره‌های پیش از خود متفاوت شد و به نوعی دچار سستی و نابسامانی گردید.

بسیاری از دانشمندان و ادیبان گشته و یا متواری شدند.

چرا؟

دیگر از دربارهای ادب دوست و خاندان‌های فرهنگ‌پرور خبری نبود.



عوامل مثبت در این دوره

- ۱: باعث رشد زبان و ادبیات و اعتبار ادیبان و اندیشمندان شد؛**
- ۲: با انتقال قدرت از خراسان به مرکز ایران، زبان و ادبیات فارسی در ناحیه عراق عجم گسترش یافت؛**
- ۳: در حوزه های ری، فارس، همدان و اطراف آنها آثار ارزشمندی پدید آمد؛**
- ۴: زمینه هایی برای تغییر سبک از خراسانی به عراقی ایجاد شد؛**
- ۵: در این زمان قالب های جدیدی نیز در شعر و نثر پدید آمد؛**
- ۶: زبان و ادبیات فارسی در این عصر به اوج شکوفایی خود رسید؛**
- ۷: در هر زمینه ادیبان، شاعران و نویسندگانی ظهور کردند که سرآمد دوران خود و بعد از خود بودند؛**
- ۸: قطب های شعر و ادب فارسی تماما در این دوره حضور داشتند.**



شعر این عصر

نرم و دلنشین و برخوردار از معانی عمیق انسانی و آسمانی شد
اکثر شاعران از حاکمان روی برتافتند؛ پس در نتیجه **قصیده** که پیش از این در خدمت ستایشی فرمانروایان بود، **گم رنگ شد و غزل** که زبان دل و عشق بود، **گسترش یافت**.

قالب **مثنوی** نیز برای ظهور عاطفه، اخلاق و عرفان میدان فراخی پدید آورد و در نمونه‌های ارزشمندی مانند مثنوی مولوی، حماسه‌های عرفانی سروده شد که قهرمانش، انسان پاک‌نهاد و خداجویی است که به نبرد با هوای نفس می‌پردازد.



شعر این عصر

نرم و دلنشین و برخوردار از معانی عمیق انسانی و آسمانی شد
اکثر شاعران از حاکمان روی برتافتند؛ پس در نتیجه **قصیده** که پیش از این در خدمت ستایش فرمانروایان بود،
کمرنگ شد و غزل که زبان دل و عشق بود، گسترش یافت.

قالب **مثنوی** نیز برای ظهور عاطفه، اخلاق و عرفان میدان فراخی پدید آورد و در نمونه‌های ارزشمندی مانند
مثنوی مولوی، حماسه‌های عرفانی سروده شد که قهرمانش، انسان پاک‌نهاد و خداجویی است که به نبرد با
هوای نفس می‌پردازد.



معروف ترین شاعران و نویسندگان قرن هفتم:

شاعران: ۱: مولانا ۲: سعدی ۳: فخرالدین عراقی
نویسندگان: ۱: نجم الدین رازی ۲: عظاملک جوینی
۳: خواجه رشیدالدین فضل الله ۴: شمس قیس رازی



۱: مولانا جلال الدین محمد بلش معروف به مولوی

از شاخص ترین شاعران عارف است که در دو محور اندیشه و احساسی آثار جاودانه ای پدید آورد.
او در مثنوی معنوی و دیوان شمس، بسیاری از معارف بشری و مسائل عرفانی را بیان کرده است.
از میان آثار مشهور مولانا، فیه ما فیه و مجالس سبعه را مولانا گفته و شاگردان نوشته اند و مکاتیب، مجموعه نامه های مولانا به قلم خود اوست. اثر اخیر سبک نثر وی را بیشتر و بهتر نمودار می سازد.

محور آثار مولوی: ۱_ اندیشه ۲_ احساس

آثار معروف: ۱_ مثنوی معنوی ۲_ دیوان شمس

موضوع: معارف بشری و مسائل عرفانی

آثار مشهور مولانا: فیه ما فیه، مجالس سبعه (این دو اثر را مولانا گفته و شاگردانش نوشته اند؛ یعنی به قلم خود مولانا نیست).

مکاتیب: مجموعه نامه های مولانا به قلم خودش.

اثری که سبک نثر مولوی را بیشتر و بهتر نمودار می سازد: مکاتیب.



۲: سعدی

سی و پنج سال کرد جهان گشت

القاب: فرمانروای ملک سخن / استاد سخن

آثار مشهور: گلستان به نثر مسجع / بوستان در قالب مثنوی

موضوع آثار او: ادبیات تعلیمی / غزل های عاشقانه



۱۳: فخرالدین عراقی

**از دیگر شاعران نام آور این دوره و صاحب غزل های عرفانی زیبا
مثنوی عشاق نامه او مشهور است**

**در هر فصل این مثنوی به یکی از مباحث عرفانی پرداخته و سخن را با تمثیل و حکایت به پایان
رسانده است.**

همچنین در کتاب لمعات خود سیر و سلوک عارفانه را در قالب نظم و نثر بیان کرده



۱۴: نجم الدین رازی

معروف به نجم دایه از منشیان و نویسندگان توانا و از عارفان وارسته این دوره است.

او کتاب مرصاد العباد من المبدأ الی المعاد را در بیان سلوک دین و تربیت نفس انسانی نوشت.

شر کتاب گاهی ساده و گاه دارای سجع و موازنه است.

علاوه بر این نویسنده در خلال موضوعات کتاب، احادیث، آیات و اشعاری از خود و شاعران دیگر نقل می کند.



ه: عطا ملک جویش

از نثر نویسندگان این دوره است.

خاندان او از افراد بانفوذ حکومت مغولان بود.

وی از نوجوانی به کارهای دیوانی پرداخت و در سفرهای متعددی حضور داشت و اطلاعات فراوانی درباره تاریخ مغولان کسب کرد، که موجب تألیف کتاب **تاریخ جهانگشا شد.**

این کتاب در شرح ظهور چنگیز، احوال و فتوحات او، تاریخ خوارزمشاهیان، فتح قلعه های اسماعیلیه و حکومت جانشینان حسن صباح نوشته شده است.

نثر این کتاب مصنوع و دشوار است.



✳️: خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی

یکی دیگر از چهره‌های علمی و سیاسی در عصر ایلخانان

وزیر مقتدر غازان خان و اولجایتو

مهمترین کتاب او جامع التواریخ نام دارد که به تشریح عالمانه و پخته نوشته شده است

اقدام مهم فرهنگی او تأسیسی عمارت ربیع رشیدی در تبریز است که در حکم دانشگاه آن زمان بوده است.



۷: شمس قیس رازی

از نویسندگان زبردست این دوره است

اثر معروفش، المعجم فی معاییر اشعارالعجم، از نخستین و مهمترین آثار در علم عروض،

قافیه، بدیع و نقد شعر است که نثری ساده و عالمانه دارد.

مطالب مهم قرن هشتم

در این دوران به دلیل بی اعتقادی برخی از ایلاخانان مغول و بی تعصبی برخی دیگر نسبت به مذاهب رایج، فرصتی پدید آمد تا صاحبان مذاهب های مختلف عقاید خود را ابراز کنند.

پس: چرا در قرن هشتم صاحبان مذاهب مختلف فرصت یافتند تا عقاید خود را ابراز کنند؟

۱: بی اعتقادی برخی از ایلاخانان مغول

نسبت به مذاهب رایج



۲: بی تعصبی برخی دیگر



**قلمرو بالندگی زبان و فرهنگ فارسی نیز عرصه وسیعی یافت، به طوری که از شبه قاره هند تا آسیای
صغیر بسیاری به این زبان سخن می گفتند، ضمن اینکه مناطقی مثل مرکز ایران (عراق عجم) به ویژه
شهر **شیراز** همچنان در حکم مرکز ادبی این عصر به شمار می رفت.**

**از بین رفتن دربارهای ادب دوست ایرانی تبار، از رونق افتادن قصیده سرایی رادری داشت و
زبان شعر جز در سروده های شاعران شاخص، مانند خواجه و حافظ، به سستی گرایید.**



معروف ترین شاعران و نویسندگان قرن هشتم

شاعران: ۱: خواجهی کرمانی ۲: ابن یمین ۳: حافظ ۴: سلمان ساوجی ۵: عبید زاکانی

نویسندگان: حمدالله مستوفی



۱: خواجوی کرمانی

از غزل پردازان برجسته این دوره است؛ شاعری که غزل های او بر **حافظ** نیز تأثیرگذار بوده
خواجو چند مثنوی به پیروی از **پنج گنج نظامی** سروده که نشان دهنده استادی او در شاعری است.
شعر او در مجموع کمال یافته و پخته است.

۲: ابن یمن

شاعر عصر **سربداران**، مردی دهقان پیشه بود که قدرت شاعری خود را در قطعات اخلاقی آشکار کرده است.

وی در شعر خود فناعت پیشگی و بی اعتباری دنیا را مورد تأکید قرار می دهد.

۳: حافظ

از شاعران سرآمد این قرن است. او با **تلفیق عشق و عرفان**، غزل فارسی را به کمال رسانید.
لحن سخن او گزنده، طنزآمیز و سرشار از خیرخواهی و اصلاح طلبی است.

۴: سلمان ساوجی

از دیگر شاعران این دوره است که در غزل توجه خاصی به **سعدی و مولوی** داشته و دارای **قصایدی** در سبک عراقی است. **مثنوی جمشید و خورشید** او به **شیوه داستان های نظامی** سروده شده است.



عید زاکانی

شاعر خوش ذوق و آگاهی است که نکته یابی و انتقادهای ظریف اجتماعی او معروف است. شاعری که ناملایمات اوضاع آشفته روزگار خود را بر نمی تافت و تزویر و ریاکاری حاکمان را در آثارش به تصویر می کشید.

او در منظومه **موش و گربه** ناهنجاری های اجتماعی را به خصوص در دو طبقه حاکمان و قاضیان به شیوه تمثیل بیان کرده است. این شوخ طبع آگاه نه تنها در شعر، که در نثر نیز دارای طنزهای ماندگاری است و **رساله دلگشا، اخلاق الاشراف و صدپند** از آن جمله اند.



ع: حمد الله مستوفی

**از مورخان مشهور ایران و نویسنده کتاب تاریخ گزیده است.
این کتاب تاریخ پیامبران، خلفای چهارگانه، خلفای بنی عباس و تاریخ ایران را تا سال ۷۳۰ ه.ق.
در بر می گیرد.**



مطالب مهم قرن هشتم

بعد از غارت ها و ویرانگری های مغولان، ایران دستخوش حمله بنیان برانداز دیگری شد و بر اثر آن، بنیه فرهنگی، ادبی و اجتماعی کشور یکسره نابود گردید.

این حادثه به وسیله تیمور گورکانی صورت گرفت و آنچه پس از حمله مغول سالم یا نیمه سالم مانده بود (مثل فارسی) و یاد در زمان ایلخانان مغول (جانشینان چنگیز) مختصر تجدید حیات یافته بود، همه از میان رفت.

تیموریان تقریباً از نیمه دوم قرن هشتم تا اوایل قرن دهم در ایران حکومت کردند و ویرانگریشان ادامه داشت.



اتفاقات مثبت دوران جانشینان تیمور

بازماندگان تیمور، همچون بازماندگان چنگیز، کم و بیش از فرهنگ ایرانی تأثیر پذیرفتند و بعد از مدتی در ایران متمدن شدند. در عهد آنان، علاوه بر گسترش هنرهای چون مینیاتور، معماری و تذهیب، تاریخ نویسی نیز به همان اسلوب ساده رواج یافت و ادبیات رونق تازه گرفت و کسانی مانند جامی و دولتشاه کتاب های ارزشمندی نوشتند؛ هر چند این رونق، بنیادی نبود و کتاب های تحقیقی این دوره عمدتاً سطحی و ادبیات دوره نیز تقلیدی و فاقد نوآوری بود.

پس از مرگ تیمور، شاهرخ توانست شهر **هرات** را مرکز فرمانروایی خود قرار دهد. او با علاقه ای که به هنر و فرهنگ اسلامی پیدا کرده بود، از هنرمندان خوشنویسی، نقاشی و شاعران حمایت نمود. **بایسنقر میرزا** پسر او نیز هنرمند و هنردوست بود و در زمان او هنرمندان، قران کریم و شاهنامه فردوسی را به خط خوش نگاشتند و با تصاویری زیبا آراستند و آثاری ماندگار از هنر اسلامی عرضه کردند.



معروف ترین شاعران و نویسندگان قرن نهم

شاعران: (۱) جامی (۲) شاه نعمت الله ولی

نویسندگان: دولت شاه سمرقندی



۱: جامی

معروف‌ترین شاعر این قرن، کتاب بهارستان را به سبک گلستان سعدی نوشت و در کتاب نفحات الانس خود نیز شیوه‌تذکره‌الاولیای عطار را در بیان حقایق عرفانی و ذکر احوال عارفان به کار برد.

او همچنین مثنوی‌هایی به پیروی از نظامی سرود که تحفه‌الاحرار یکی از آنهاست.



۲: شاه نعمت الله ولی

**از دیگر شاعران این دوره است که در تصوّف و طریقت مقامی بلند داشته و سرسلسله صوفیان
نعمت اللهی به شمار می رود.**



۴۳: دولت‌شاه سمرقندی

از نویسندگان این قرن است

تذکره دولت‌شاه را به تشویق امیرعلیشیر نوایی نوشته است.

این کتاب شرح احوال بیش از صد تن از شاعران ایرانی از آغاز تا زمان مؤلف است.



سوالیات



۱: جاهای خالی را با کلمات مناسب تکمیل کنید.

الف) قالب نیز برای ظهور عاطفه، اخلاق و عرفان میدان فراخی پدید آورد.

ب) فخرالدین عراقی یک مثنوی با عنوان پدید آورد و کتاب را در بیان سیر و سلوک عارفانه در قالب نظم و نثر نوشت.

ج) مهم‌ترین اقدام فرهنگی فضل‌الله همدانی تاسیسی عمارت در تبریز بود.

د) شاعر عصر سربداران، مردی دهقان‌پیشه بود که قدرت شاعری خود را در قطعات اخلاقی آشکار کرده است.

ه) سلمان ساوجی مثنوی را به شیوه داستان‌های نظامی سروده است.

و) جامی کتاب را به سبک گلستان سعدی نوشت.

۲: صحیح یا غلط بودن عبارات زیر را مشخص کنید.

الف) طبقات ناصری و تاریخ و صّاف از نمونه نثرهای ساده سبک عراقی هستند.

ب) کتاب های تحقیقی قرن نهم عمدتاً عمیق و ادبیات این دوره نیز دارای نوآوری بود.

ج) پس از مرگ تیمور، شاهرخ توانست شهر هرات را مرکز فرمانروایی خود قرار دهد.

د) کتاب تذکره دولتشاه شرح احوال بیش از صد تن از عارفان ایرانی از آغاز تا زمان مؤلف است.

۳: هریک از عبارات گروه «الف»، به کدام یک از شخصیت‌های گروه «ب» مرتبط است؟ (در گروه «ب» یک مورد اضافی است.)

الف	ب
(۱) معروف‌ترین شاعر قرن نهم و صاحب کتاب بهارستان.	الف) عبید زاکانی
(۲) شاعر خوش‌ذوق و آگاهی است که نکته‌یابی و انتقادهای ظریف اجتماعی او معروف است	ب) نجم‌الدین رازی
(۳) شاعر عصر سربداران، مردی دهقان‌پیشه بود که قدرت شاعری خود را در قطعات اخلاقی آشکار کرده است.	پ) نجم‌الدین کبری
(۴) در یورش ویرانگرانه مغول به قتل رسید.	ت) سلمان ساوجی
(۵) وزیر مقتدر غازان‌خان و اولجایتو و مؤسس عمارت ربع رشیدی	ث) جامی
(۶) سرآمد شعرای فارسی زبان در سرودن غزل‌های عاشقانه	ج) حافظ
(۷) کتاب مرصاد العباد را در سلوک دین و تربیت نفس انسان نوشت.	چ) خواجه رشیدالدین فضل‌الله همدانی
(۸) غزل‌های او بر حافظ تأثیرگذار بوده است.	ح) سعدی
(۹) با تلفیق عشق و عرفان غزل فارسی را به کمال رسانید.	خ) مولانا
(۱۰) شاعر قصیده‌سرای قرن هشتم	د) ابن یمین
	ذ) خواجهی کرمانی





درس دوم

پایه های آوایی



**به هنگام خوانش هر بیت، متوجه یک سری مکث‌ها می‌شویم که این مکث‌ها بر اساس وزن و نظم اشعار
به صورت ناخودآگاه رعایت می‌شود.**

برای مثال یک بار شعر زیر را به شکلی عادی بخوانید:

**«ای ساربان، آهسته‌ران، کارام جانم می‌رود وان دل که با خود داشتم، بادلستانم می‌رود»
اگر توجه کنید می‌بینید که بعد از خوانش چند هجا، این مکث‌ها به وجود می‌آیند.**

**ای ساربان / آهسته‌ران / کارام جا / نم می‌رود
وان دل ک با / خد داشی تم / بادل سی تا / نم می‌رود**



به هر کدام از مکث‌ها یا توقف‌هایی که در بین اشعار انجام می‌شود (که در نمونه با خط مورّب قرمز نشان داده شده) ایستگاه‌آوایی می‌گویند.

به هر کدام از دسته‌های که میان ایستگاه‌های آوایی قرار می‌گیرد، پایه‌های آوایی می‌گویند.
انواع تقسیم‌بندی پایه‌های آوایی

(۱) نظم چهار چهار. مانند:

«هر که چیزی دوست دارد جان و دل بروی گمارد هر که محرابش تو باشی سر ز خلوت بر نیارد»



وی گ ما رد	جانُ دل بر	دو س دا رد	هر ک چی زی
__ U _	__ U _	__ U _	__ U _
بر ن یا رد	سر ز خل وت	بش تُ با شی	هر ک مح را
__ U _	__ U _	__ U _	__ U _

(۲) نظم سه سه. مانند:

«مرنجان دلم را که این مرغ وحشی زبانی که بر خاست مشکل نشیند»

م ر ن جان	د ل م را	ک این مر	غ و ح شی
__ U	__ U	__ U	__ U
ز با می	که بر خا	س مش کل	ن شی ند
__ U	__ U	__ U	__ U



(۲) نظم سه سه. مانند:

«مرنجان دلم را که این مرغ وحشی زبانی که بر خاست مشکل نشیند»

م ر ن جان	د ل م را	ک این مر	غ و ح شی
__ U	__ U	__ U	__ U
ز با می	که بر خا	س مش کل	ن شی ند
__ U	__ U	__ U	__ U



(۳) نظم چهار سه. مانند:

«کرده گلو پر ز باد، قمري سنجاب پوش کبک فرورخته مُشک به سوراخ گوش»

کر د گ لو	پر ز باد	قم ر ی سن	جا ب پوش
_ U U _	_ U _	_ U U _	_ U _
ک ب ک ف رو	ری خ ت	مش ک ب سو	را خ گوش
_ U U _	_ U _	_ U U _	_ U _



۴) نظم سه چهار. مانند:

«ای دوست شکر خوشتر یا آن که شکر سازد؟ خوبی قمر بهتر، یا آن که قمر سازد؟»

ش کر سا زد	یا آن ک	ش کر خش تر	ای دو س
==_U	U==	==_U	U==
ق مر سا زد	یا آن ک	ق مر به تر	خو بی ی
==_U	U==	==_U	U==



سوالیات



۱: جاهای خالی را با عبارات مناسب تکمیل کنید.

**الف) بیت «امشب سبک تر می زنند این طفل بی هنگام را / یا وقت بیداری غلط بوده است مرغ بام را»
دارای پایه آوایی است.**

ب) هر مصرع بیت «به دریا بنگرم دریا تو بینم / به صحرا بنگرم صحرا تو بینم» دارای پایه آوایی است.



۲: پایه‌های آوایی ابیات زیر را تعیین کنید.

الف) ای خوش منادی‌های تو در باغ شادی‌های تو بر جای نان شادی خورد جانی که شد مهمان تو

ب) عنکبوتی را به حکمت دام داد صدر عالم را درو آرام داد

ج) یارب از عرفان مرا پیمانه‌ای سرشار ده چشم بینا جان آگاه و دل بیدار ده

د) مرا که که به دردی یاد می‌کن که دردت مرهم جان می‌نماید



۳: با توجه به پایه‌های آوایی ابیات، جداول زیر را تکمیل کنید.

الف) اسیرش نخواهد رهایی ز بند شکارش نجوید خلاص از گزند

	ر ه ا ی ی		
		ن ج و ی د	



(ب) بیا تا گل برافشانیم و می در ساغر اندازیم فلک را سقف بشکافیم و زرحی نو در اندازیم

		ب ر ف ش ا ن ی	
	م ط ر ح ی نو		



درس سوم





به طور کل تشبیه ادّعای همانندی میان دو یا چند چیز است؛ این مانند کردن هم در موارد مثبت به کار می رود و هم در موارد منفی. مثال:

دستان تو مانند گل خوشبوست (مثبت)

خوی تو چون اهریمنان است (منفی)



هر تشبیه چهار پایه یا رکن دارد. برای درک بهتر پایه‌های مختلف تشبیه، به مثال زیر توجه داشته باشید تا ذیل توضیح هر رکن، آن را در مثال زیر مشخص کنیم:

«انسان‌های با اراده مانند کوه پدیدارند.»

مشبّه: چیزی که آن را به چیز دیگری شبیه می‌کنیم. (انسان‌های با اراده در مثال بالا)

مشبّه‌به: چیزی که مشبّه را به آن شبیه کردیم. (کوه در مثال بالا)

ادات تشبیه: کلمه یا کلماتی که شباهت میان مشبّه و مشبّه‌به را نشان دهد. (مانند در مثال بالا)

وجه شبه: ویژگی مشترک میان مشبّه و مشبّه‌به. (پایداری در مثال بالا)

انواع تشبیه

در هر تشبیه ذکر مشبه و مشبه‌به الزامی است، اما وجه شبه و ادات تشبیه می‌توانند حذف شوند. بر اساسی ذکر شدن و یا ذکر نشدن ادات تشبیه و وجه شبه، دو نوع تشبیه گسترده و فشرده به وجود می‌آید.

تشبیه گسترده: به تشبیهی که هر چهار رکن و یا سه رکن از چهار رکن آن ذکر شده باشد، تشبیه گسترده می‌گویند.

مثال:

«بلم آرام چون قویی سبکبار به نرمی بر سر کارون همی رفت»

مشبه: بلم / مشبه‌به: قو / ادات تشبیه: چون / وجه شبه: به نرمی بر سر آب رفتن

در این بیت هر چهار پایه ذکر شده است؛ پس تشبیه گسترده است.

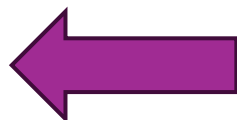
«چو دریای خون شد همه دشت و راغ جهان چون شب و تیغ ها چون چراغ»

تشبیه ۱) مشبّه: دشت و راغ / مشبّه به: دریای خون / ادات تشبیه: چو / وجه شبه: ندارد

تشبیه ۲) مشبّه: جهان / مشبّه به: شب / ادات تشبیه: چون / وجه شبه: ندارد

تشبیه ۳) مشبّه: تیغ / مشبّه به: چراغ / ادات تشبیه: چون / وجه شبه: ندارد

تشبیه گسترده





تشبیه فشرده (بلیغ / رسا): به تشبیهی که تنها مشبّه و مشبّه به داشته باشد، تشبیه فشرده یا بلیغ می گویند.

تشبیه فشرده یا بلیغ می تواند به دو شکل ذکر شود:

(۱) تشبیه بلیغ اضافی (اضافه تشبیهی): در این نوع، تشبیه به شکل یک ترکیب اضافی می آید و بر اساسی ارتباطی

که بین دو کلمه وجود دارد، می توان به تشبیهی که میان آنها جریان دارد پی برد.

اضافه تشبیهی به این صورت می آید: مشبّه به + مشبّه (می توان گفت اسم دوم مانند اسم اول است)

مثال: طوفانِ بلا (بلا مانند طوفان است)

«مراکز جام عشقت مست گشتم وصال و هجر یکسان می نماید»



در این بیت ترکیب جام عشق یک اضافه تشبیهی است. شاعر عشق را به جام بادهای تشبیه کرده که هر دو می‌توانند انسان را از حالت هشیاری بیرون بیاورند و مست کنند.

۲) **تشبیه بلیغ غیر اضافی (اسنادی):** در این نوع، تشبیه به صورت یک جمله با فعل اسنادی می‌آید.

تشبیه بلیغ غیر اضافی یا اسنادی به این صورت می‌آید: **مشبه + مشبه به + فعل اسنادی**
مثال: **بلا طوفان است.**

«**تو سرو جویباری، تو لاله بهاری تو یار غمگساری، تو حور دلربایی**»

در بیت بالا ۴ تشبیه بلیغ اسنادی به کار رفته است.

مشبه: تو / مشبه به: سرو جویبار / فعل اسنادی: هستی



سوالیات



۱: در ابیات زیر تشبیه‌ها را یافته، نوع تشبیه را نوشته و ارکان آنها را مشخص کنید.

الف) پیش کمان ابرویش لابه‌هی گنم ولی گوش کشیده است از آن گوش به من نمی‌کند

ب) نفس کز گرمگاه سینه می‌آید برون ابری شود تاریک / چو دیوار ایستد در پیش چشمانت

ج) هرچه به گرد خویشتن می‌نگرم در این چمن آینه ضمیر من جز تو نمی‌دهد نشان



چون پرافشان پری های هزار افسانه ای از یادها رفته

(د) پاسی از شب رفته بود و برف می بارید

اجرام کوههاست نهان در میان برف

(ه) مانند پنبه دانه که در پنبه تعبیه است

فراق و وصل یکسان می نماید

(و) مرا گز جام عشقت مست گشتم

(ی) هرگز کسی نداد بدین سان نشان برف گویی که لقمه ایست زمین در دهان برف





درس چہارم

سیکشناسی سیک عرفانی

ویژگی های شعر سبک عراقی

۱: زبانی: برخی از ویژگی های زبانی شعر این دوره عبارتند از:

_ چهارچوب زبان همان چهارچوب فارسی قدیم یعنی زبان سبک خراسانی است که تا حدودی مختصات جدید یافته است؛

_ لغات فارسی اصیل قدیم کم شده و جای آنها را لغات عربی گرفته است؛

_ «می» اندک اندک جای «همی» را گرفته است؛

_ «در» به جای «اندر» در حال جایگزین شدن است و نیز واژه های «ایدون، ایدر، ابا، اَبر و...» بسیار اندک به کار می روند؛

به کارگیری حرف نشانه «**فر**» در کنار مفعول جمله کم شده است.

اساساً مهم ترین ویژگی های زبانی سبک عراقی همین درهم آمیختگی مختصات نو و کهن است که گاهی در یک شعر کوتاه نیز در کنار هم دیده می شود.

۲: ادبی: برخی از ویژگی های ادبی شعر این دوره عبارتند از:

در شعر این دوره کاربرد غزل بیشتر شد و جایگاه «**تخلص**» در انتهای آن تثبیت گردیده است؛

توجه به علوم ادبی از جمله «**بیان**» و «**بدیع**» بیشتر شده است؛

شعر این دوره از دربار خارج شده؛ قصیده از رونق افتاد و غزل عارفانه و عاشقانه رواج یافت.



۳: فکری: برخی از ویژگی های فکری شعر این دوره به شرح زیرند:

ـ فکر نیز در این دوره با تأثیرپذیری از مسائل سیاسی و اجتماعی دستخوش تغییر شده است؛ مثلاً در دوره خراسانی، معشوق شاعر، زمینی و دست یافتنی بود؛ ولی در شعر این دوره، این مقام اندک اندک متعالی می گردد تا آنجا که گاه با معبود یکی می شود.

ـ بعد از حمله مغول و خدشه دار شدن غرور و احساسات ملی ایرانیان، نیاز داشتن به سخنان آرام بخش و توجه به امور اخروی بیشتر می شود و همچنین باعث رواج بیشتر تصوف می گردد و برخی اندیشه ها، از جمله بی اعتباری دنیا، اعتقاد به قضا و قدر و اینکه هر چه از دوست می رسد نیکوست، رواج بیشتری می یابند.

ـ پرهیز از زهد ریایی، توجه به صفا و پالایش درون، برتری عشق بر عقل و امثال آنها مفاهیم و اندیشه های شعر این دوره را رقم می زنند.



خراسانی	عراقی
ستایش خرد	ستایش عشق
شادی‌گرایی	غم‌گرایی
وصال	فراق
واقع‌گرایی یا توجه به دنیای بیرون	ذهن‌گرایی یا توجه به درون
روحیه حماسی و پهلوانی	رواج روحیه عرفانی و اخلاقی
باور به اختیار و اراده	باور به قضا و قدر
زمینی بودن معشوق	آسمانی بودن معشوق
بازتاب اندک علوم در شعر	بازتاب بیشتر علوم در شعر



ویژگی های شعر سبک عراقی

۱: زبانی

وضعیت نثر فنی:

در قرن هفتم ← ضعیف می شود. در قرن هشتم ← با سيطرة تیموریان بر ایران از میان می رود.

نثر ساده در این دوران جای نثر فنی را می گیرد.

کتاب های فنی به نثر ساده بازنویسی می شدند ← نمونه: کتاب انوار سهیلی ← بازنویسی کليلة و دمنه به

نثری ساده اثر ملا حسین واعظ کاشفی.

تاریخ نویسی در این دوره ← ساده

قدیمی ترین تاریخ نوشته شده درباره تیمور ← ظفرنامه شامی



نثر ساده‌این دوره ← فصیح و بلیغ نیست.

مشوقان ترکی نویسی در حوزه ادبی هرات ← سلطان حسین بایقرا و امیرعلیشیر نوایی

کتاب امیرعلیشیر نوایی ← محاکمه اللغین کتاب سلطان حسین بایقرا ← بابرنامه



۲: ادبی

**در اندیشه ادیبان این دوره، صنایع ادبی جای تعمق و تفکر را گرفت؛ اما چون استعداد های بزرگی در این عرصه
ندرخشیدند، بیشتر به ظاهر سازی و به صنایعی مثل معما پردازی، سرودن اشعار ذوقافیتین و از این قبیل روی
آوردند.**

۳: فکری

به علت کشتن یا متواری ساختن فضلا و نابودی کتابخانه‌ها، از صحت و اتقان مطالب کاسته شد و ضعف و انحطاط فکری این دوره را گرفت.

همچنین به علت نبودن استادان بزرگ و از بین رفتن حوزه های علمی، تحقیق و تتبع در بین علما و ادیبان سستی یافت.

مدعیان عرفان هم که به اقتضای زمانه با مغولان کنار آمده بودند، اندک اندک اصالت خود را از دست دادند و به درسی کردن عرفان و شرح اصطلاحات و پیچیده جلوه دادن مفاهیم آن پرداختند؛ ناگزیر در این دوره، کتاب عرفانی معتبری نوشته نشد.



سوالیات



۱: جاهای خالی را با عبارات مناسب تکمیل کنید.

الف) مهم‌ترین ویژگی زبانی سبک عراقی، است که گاهی در یک شعر کوتاه در کنار هم دیده می‌شود.

ب) در شعر سبک خراسانی معشوق شاعر و در دوره عراقی است.

ج) نثر کم‌کم در قرن هفتم ضعیف می‌شود.

د) قدیمی‌ترین تاریخ نوشته شده درباره تیمور است.



۲: صحیح یا غلط بودن عبارات زیر را مشخص کنید.

الف) شعر دوره عراقی از دربار خارج شد؛ قصیده از رونق افتاد و غزل عارفانه و عاشقانه رواج یافت.

ب) در شعر سبک خراسانی باور به اختیار و اراده وجود داشت و در سبک عراقی باور به قضا و قدر.

ج) تاریخ نویسی در نثر سبک عراقی به شیوه مصنوع پیش می‌رود.

د) در شعر عراقی کاربرد غزل بیشتر شد و جایگاه «تخلص» در ابتدای آن تثبیت شد.



۳: هریک از توضیحات گروه «الف»، به کدام یک از کتب گروه «ب» مرتبط است؟ (در گروه «الف» یک مورد اضافی است.)

«الف»	«ب»
(۱) قدیمی ترین تاریخ نوشته شده درباره تیمور	الف) محاکمه اللغتین
(۲) کتاب نوشته شده توسط سلطان حسین بایقرا	ب) انوار سهیلی
(۳) بازگردان کتاب کلیله و دمنه	پ) بابرنامه
(۴) کتابی که امیرعلیشیر نوایی آن را به ترکی نوشت	ت) ظفرنامه شامی
(۵) کتاب ظهیرالدین بابر که به ترکی تألیف شده است.	





درس پنجم

پایه های آوایی همسانا



با خوانشی درست ابیات و جداسازی پایه ها (ارکان)، درمی یابیم که بعد از هر پایه، درنگی وجود دارد. درنگ های پایان هر پایه، مرز پایه های آوایی را به ما نشان می دهند. پی هم قرار گرفتن پایه های آوایی و درنگ هایی که در پایان هر پایه می آید، موسیقی و آهنگی را در خوانش بیت ها پدید می آورد. چگونگی تفکیک پایه ها و خوانش بیت ها، نظم دیداری و شنیداری را به ما نشان می دهند؛ این نظم سبب درک پایه های آوایی و لذت از موسیقی متن، می شود.



وقتی هجاهای شعری را به شکلی درست به پایه‌های آوایی بخش کردیم؛ ساده‌تر این است که به جای هریک از این پایه‌ها، معادل هر یک از آنها را بیاوریم. معادل‌های این پایه‌ها را «**وزن** **واژه‌یارکن**» می‌نامیم.

وزن‌هایی که در آغاز، میان و پایان مصراع می‌آیند



۷_ فعلاتن = U U _ _

۱_ فاعلاتن = U _ _

۸_ فعلن = U U _

۲_ فاعلن = U _ _

۹_ مفاعلن = U _ U _

۳_ مفاعیلن = U _ _ _

۱۰_ مفتعلن = U U _ _

۴_ فعولن = U _ _

۱۱_ فعلن = _ _

۵_ مستفعلن = U _ _

۶_ مفعولن = _ _ _

وزن‌هایی که در پایان
مصرع قرار نمی‌گیرند



۴_ مستفعل = U U _ _

۵_ مفعول = U _ _

۶_ مفاعل = U U _ U

۱_ فاعلات = U _ U _

۲_ فعلات = U _ U U

۳_ مفاعیل = U _ _ U

وزن‌هایی که تنها در پایان مصراع قرار می‌گیرند



۱_ فعل = U _ ۲_ فع = _

یکی از اوزان پرکاربرد در ادبیات فارسی، وزن واژه مفاعیلن است.

«در این درگاه بی چونی همه لطف است و موزونی چه صحرایی چه خضرائی چه درگاهی نمی دانم»



تُ مو زو نی	ه مِ ل ط فس	ه بی چو نی	د رین در گا
___ U	___ U	___ U	___ U
ن می دا نم	چ در گا هی	چ خض را یی	چ ص ح را یی
___ U	___ U	___ U	___ U
مفاعیلن	مفاعیلن	مفاعیلن	مفاعیلن



نکته: در پایان شعری که در وزن مفاعیلن سروده شده، یامی تواند وزن واژه مفاعیلن به صورت کامل بیاید (مانند بیت بالا) و یامی تواند وزن واژه «مفاعی» و یا همان «فعولن» بیاید. به بیت زیر دقت کنید.

«خداوند اشبم را روز گردان چو روزم بر جهان، پیروز گردان»

خ دا ون دا	ش بم را رو	ز گر دان
__ _ U	__ _ U	__ _ U
چُ رو زم بر	ج هان پی رو	ز گر دان
__ _ U	__ _ U	__ _ U
مفاعیلن	مفاعیلن	مفاعی



یکی دیگر از اوزان اصلی و پرکاربرد در شعر فارسی، وزن «**فاعلاتن**» است که در این قسمت به بررسی این وزن می‌پردازیم. به بیت زیر توجه فرمایید:

«**روزگار است این که گه عزّت دهد گه خوار دارد چرخ بازیگر از این بازیچه‌ها بسیار دارد**»

روزگار	تین کِ گه عز	زت دهد گه	خار دارد
_ _ U _	_ _ U _	_ _ U _	_ _ U _
چرخ بازی	گرا زین با	زی چّ ها بس	یار دارد
_ _ U _	_ _ U _	_ _ U _	_ _ U _
فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلاتن



همانطور که مشخص شده است، این بیت از به هم پیوستن وزن و اژه‌های فاعلاتن تشکیل شده است و ۸ پایه آوایی بر وزن فاعلاتن این بیت را تشکیل داده است.

نکته: در پایان وزن و اژه فاعلاتن، می‌تواند فاعلن بیاید. به بیت زیر دقت کنید.

«من به هر جمعیتی نالان شدم جفت بد حالان و خوش حالان شدم»

من ب هر جم	عی ی تی نا	لان ش دم
_ U _	_ _ U _	_ U _
جف ت بد حا	لا ن خُش حا	لان ش دم
_ U _	_ _ U _	_ U _
فاعلاتن	فاعلاتن	فاعلن



سوالیات



۱: نشانه‌های هجایی و وزن و آه‌واژگان زیر را بنویسید.

الف) می‌نوشتم:

ب) دریا دلان:

ج) باد ابدان:

د) کجایی:



۲: ابیات زیر را تقطیع کرده و وزن آنها را بنویسید.

الف) چه خوش صید دلم کردی بنازم چشم مست را که کسی آهوی وحشی را از این خوشتر نمی گیرد

ب) تا نکردی بی خبر از جسم و جان کی خبر یابی ز جانان یک زمان



(ج) سینه مالامال در دست ای درینا مرهمی دل ز تنهایی به جان آمد خدا را همد می

(د) سحرکه بلبل ای آواز می کرد همی نالید و با گل ساز می کرد

(ه) ما به غم خو کرده ایم ای دوست ما را غم فرست تحفه ای گز غم فرستی نزد ما هر دم فرست





درس مهم

مجاز



به طور کلی مجاز در معنی «**غیر حقیقی**» به کار می‌رود؛ یعنی هر چیزی که واقعی نباشد، مجازی است. در بیان نیز، مجاز، کاربرد واژه در معنای غیر حقیقی آن است. وقتی در یک بیت شعر و یا یک سطر از نثر، واژه‌ای در معنای غیر واقعی خودش به کار رود، آن واژه مجاز دارد.



مجاز در میان محاورات روزمره ما نیز بسیار به کار می‌رود و از این آرایه استفاده فراوانی می‌کنیم. به عنوان مثال، وقتی می‌گوییم «**سماور جوشید**»، این جمله مجاز دارد؛ چرا که هیچ سماوری قابلیت جوشیدن ندارد و منظور آبی است که در سماور وجود دارد و آن است که می‌جوشد. یا وقتی می‌گوییم «**حوض یخ زد**»، منظور ما آب درون حوض است و نه خود حوض و زمانی که می‌گوییم «ایران در مسابقات کشتی جهان مقام نخست را آورد»، منظورمان این است که شرکت‌کنندگانی از کشورمان، ایران، این مقام را به دست آوردند. به مثال زیر توجه کنید:

«برآشفت ایران و برخاست گرد همی هرکسی کرد سازِ نبرد»



آیا ایران می‌تواند آشفته شود؟ آیا ایران (به خودی خود) قابلیت برآشفته شدن را دارد؟ جواب قطعی است، خیر!

منظور از ایران در این بیت، مردم ایران یا سپاه ایران هستند و کلمه «ایران» در این بیت آرایه «مجاز» دارد چون در معنی غیر واقعی خود به کار رفته است. در واقع ما کلمه «ایران» را که معنایی حقیقی دارد و به معنی «محل و کشوری که در آن زندگی می‌کنیم»، است را به کار بردیم و از آن معنای غیر حقیقی «سپاه یا مردم ایران» را گرفته‌ایم.

دریافت معنی غیر حقیقی واژه بر اساس «علاقه یا پیوند» بین آن معنا با معنای حقیقی به ذهن می‌آید و همچنین لازم است «قرینه‌ای» در کلام باشد تا معنای غیر حقیقی (مجازی) آن دریافت شود.



علاقه، رابطه و پیوندی است که میان معنای حقیقی و غیر حقیقی یک واژه وجود دارد و قرینه، نشانه‌ای در کلام است که ذهن خواننده را از معنای حقیقی دور می‌سازد و به سوی معنای غیر حقیقی آن سوق می‌دهد.

قرینه‌های مجاز به ما کمک می‌کنند تا مجازها را ساده‌تر بیابیم. قرینه‌ها به طور کلی نشانه‌هایی هستند که ذهن انسان را از معنای واقعی کلمه به معنای غیر حقیقی آن می‌رسانند.



مثلاً:

جهان خوردم و کارها را اندم.

همانطور که مشخص شده است، جهان در این مثال مجاز است؛ اما چیزی که به ما کمک کرد تا بتوانیم این مجاز را تشخیص دهیم، فعل «**خوردن**» بود. جهان خوردنی نیست و این موضوع به ما کمک می‌کند تا متوجه شویم که منظور از جهان، «**نعمت‌های جهان**» است.

نکته: مجاز به علاقه شباهت (**استعاره مصرّحه**) مهم‌ترین نوع مجاز است.



سوالیات



۱: در نمونه‌های زیر مجازها را بیابید.

الف) دل عالمی بسوزی چو عذار بر فروزی تواز این چه سود داری که نمی‌کنی مدارا؟

ب) فریشتگان سنگ به وی می‌زدند که خاکی و آبی را چه رسد که حدیث کند؟

ج) بروای گدای مسکین در خانه‌ی علی زن که نکین پادشاهی دهد از کرم گدارا

د) چرا چون لاله خونین دل نباشم که بامانرگسی او سرگران کرد



(۲) در بیت زیر مجاز را مشخص کرده و قرینۀ آن را بنویسید.

«دست فلک ز کارم وقتی گره کشاید کز یکدگر کشایی زلف گره کشارا»



۳) مجازها را بیابید و معنای حقیقی و غیر حقیقی آنها را بنویسید.

الف) سینه خواهم شرحه شرحه از فراق تا بگویم شرح درد اشتیاق

ب) سر آن ندارد امشب که برآید آفتابی چه خیال ها گذر کرد و گذر نکرد خوابی